اخبار

داودی:

تاثیر اینفلوئنسرها بر جوانانی که کاستی روحی دارند بیشتر است

یک کارشناس حوزه مد و لباس گفت: ماهیت مُد و اینفلوئنسرهای فضای مجازی بر رفتار جوانان، به‌خصوص جوانانی که کاستی‌های روحی و روانی دارند، تأثیر بیشتر و آشکارتری دارد.

ابوالفضل داودی کارشناس حوزه مد و لباس و رئیس دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد یزد در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، با اشاره به اثرات بلاگرها در فضای مجازی گفت: بلاگرها یا همان اینفلوئنسرها در جامعه تأثیرگذار و به نوعی رهبران فکری یک جامعه به حساب می‌آیند که البته در مواردی دارای ارزش و گاه فاقد ارزش اجتماعی هستند. اینفلوئنسرها همانند هنرپیشه‌ها و ورزشکاران که تنها به دلیل مشهور بودن محبوب شده‌اند گاه تأثیرگذاری ارزشی بر مردم جامعه ندارند.

وی افزود: در چنین شرایطی، غالباً افراد ضعیف از منظر خودپنداره، برای ابراز وجود و ایجاد هویت مطلوب، از افراد مشهور و اینفلوئنسرها پیروی و تقلید می‌کنند. در چنین وضعیتی، گفته می‌شود افراد از اینفلوئنسرهای زرد تقلید می‌کنند. بعضاً می‌بینیم که مردم از اینفلوئنسرها تبعیت دارند. ماهیت مُد بر رفتار جوانان، به‌خصوص جوانانی که کاستی‌های روحی و روانی دارند، تأثیر بیشتر و آشکارتری دارد. در این خصوص، رسانه‌ای وجود ندارد که به طور مستقیم مخاطب خود را هدف قرار داده و بر آنان تأثیر گذارد. تاکنون، اقداماتی انجام شده است اما در شبکه‌ها مشاهده شده که برخی از اینفلوئنسرها با رفتار و کردار خود باعث شکست و یا توقف کامل چنین برنامه‌هایی شده‌اند.

این کارشناس فعال حوزه مد و لباس درباره اینکه مردم گاهاً توده‌وار در نوع انتخاب پوشاک قدم برمی‌دارند، گفت: باید بگویم که مدگرایی با توده متفاوت است اما در برهه‌هایی دیده‌ایم که توده مردم را جوانانی تشکیل داده‌اند که دچار بحران فرهنگی بودند و توده و مد در این میان اختلاط پیدا می‌کنند.

داودی در پایان گفت: باید برای رفع مشکلات و آسیب‌ها و گسست‌های موجود از پیشینه اسلامی و ایرانی در مُد بهره ببریم و آن را با سلیقه جوانان سازگار کنیم. همچنین باید به فکر عرضه مناسب مُد مطلوب در بازار هدف بوده و با برنامه‌ریزی استراتژیک مخاطب هدف را با شیوه ارتباطی مناسب جذب کنیم. البته باید برنامه‌ریزی منسجم در زمینه اینفلوئنسرهای ارزش مدار داشته باشیم تا رفتار جوانان همراه با آگاهی‌بخشی رسانه‌ای باشد.

توسط نشر مروارید؛

سومین ترجمه «پترزبورگ» منتشر شد

سومین ترجمه فارسی از رمان «پترزبورگ» نوشته آندری بلی روانه بازار کتاب شد.

رمان «پترزبورگ» نوشته آندری بلی به‌تازگی با ترجمه نازلی اصغرزاده توسط نشر مروارید منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌ترجمه، سومین ترجمه‌ای است که از کتاب مذکور که یکی از چهار شاهکار بزرگ ادبی قرن بیستم است، در ایران عرضه می‌شود.

آندره بلی در این اثر خود به شرح تمام تغییرات، درگیری‌ها و آشوب‌هایی پرداخته که زندگی خانواده آلباکوف را به‌عنوان قهرمان این رمان، دستخوش تغییر می‌سازد و شاید به‌همین دلیل است که نویسنده نامدار روس، ولادیمیر ناباکوف، این اثر او را یکی از چهار اثر برتر قرن بیستم در مکتب مدرنیسم می‌داند.

در این رمان شهر سن‌پترزبورگ به‌عنوان محل رخداد داستان به عنوان یکی از قهرمانان داستان آندره بلی نیز ایفای نقش می‌کند و نقشی اسرارآمیز و در عین‌حال انکار ناشدنی در داستان به خود می‌گیرد.

نازلی اصغرزاده در مقدمه خود بر این اثر گفته این ترجمه، نخستین ترجمه از این رمان است که مستقیماً از زبان روسی به فارسی ترجمه می‌شود.

نکته قابل توجه درباره این رمان این موضوع است که نسخه اصلی که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد و نسخه دیگری هم در سال ۱۹۲۲ روانه بازار شد. نسخه دوم این رمان به‌طورجدی توسط نویسنده ویرایش شد و بخش‌های قابل‌توجهی از آن حذف شد تا مطالعه‌اش برای خواننده راحت شود. آندری بیلی بخش زیادی از قسمت‌های تجربی کتاب را حذف کرد و در عوض ساختارهای واضح‌تر را به متن افزود.

نسخه کوتاه‌تر کتاب چیزی حدود ۳۸۰ صفحه طول دارد و نسخه طولانی‌تر آن ۵۷۰ صفحه است.

نشر مروارید این ترجمه را در ۶۱۲ صفحه با قیمت ۹۸هزار تومان منتشر کرده است.

اجرای ۵ گروه بانوان در جشنواره موسیقی فجر

پنج گروه بانوان در سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر، اجرا می‌کنند.

به گزارش روابط عمومی سی و پنجمین جشنواره موسیقی فجر، در این دوره از جشنواره، پنج گروه ویژه بانوان حضور دارند. بر این اساس گروه‌های نوشه (نیوشا بریمانی)، کوک ماه (لیلا جعفرپور)، چریکه‌سنه (شرمین زرفشان)، تیدا (ترگل خلیقی) و ستاره قطبی (بهار ایلچی) در سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر روی صحنه می‌روند.

گروه‌های ویژه بانوان سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر در تاریخ‌های ۲۹ و ۳۰ بهمن ماه در فرهنگسرای نیاوران به اجرای صحنه‌ای می‌پردازند.

سی‌وپنجمین جشنواره موسیقی فجر نیز با حضور گروه‌هایی در بخش موسیقی نواحی، دستگاهی، کلاسیک، تلفیقی، بین‌الملل، پاپ، بانوان، کودک و نوجوان در تاریخ‌های ۲۴ تا ۳۰ بهمن ماه برگزار می‌شود.

عمادی‌حائری مطرح کرد؛

منظور مولانا از شیخ دین کسی نیست جز شمس تبریزی

محمد عمادی گفت: پس از قرن‌ها عبدالباقی گُلپینارلی این عبارت را در نسخه‌های گوناگون مقالات شمس پیدا کرد و گفت عبارت المعنی هوالله، عبارت شمس است و منظور مولانا از شیخ دین، شمس تبریزی است.

هفدهمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره شمس تبریزی باعنوان «معنا و خدا» به تحلیل و بررسی مفهوم «المعنی هو الله» در سخن شمس تبریزی اختصاص داشت که روز چهارشنبه ۲ بهمن با سخنرانی سیدمحمد عمادی‌حائری در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

عمادی‌حائری در این‌نشست گفت: در مقالات شمس تبریزی عبارتی کوتاه هست که در آن «معنا» همان «خدا» دانسته شده است (المعنی هو الله). همین عبارت را مولوی نیز از قول شمس در مثنوی آورده است. با وجود کوشش محققان در تفسیر این عبارت و توضیح مقصود شمس از آن، به نظر می‌رسد که باب تفسیر و کشف معنای این عبارتِ معماگونه همچنان گشوده است. طرح و شرح بخش‌هایی از نوشته‌های مستملی در شرح تعرّف، ناصرخسرو در زادالمسافر و هجویری در کشف‌المحجوب از یک سو و تأمل بر نظریه‌ها و مفهوم‌پردازی‌های دریدا، آلستون و ویتگنشتاین از سوی دیگر، زمینه‌ی تفسیری دقیق‌تر از سخن شمس را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که عبارت شمس مبتنی بر یک تلقی از مفاهیم دلالت و معناست و او از این طریق مخاطبش را به حضورِ خدا در جهان هستی توجه می‌دهد.

منظور مولانا از شیخ دین کیست

وی افزود: در مقالات شمس تبریزی که مجموعه‌ای است از گفتارهای پراکنده شمس که دیگران از قول او نوشته‌اند و بعدها در تحریرهای گوناگون گرد آمده است، عبارتی است که در آن تاکید می‌کند که «معنی خداست (المعنی هوالله)» مولانا هم در دفتر اول مثنوی این عبارت را از قول «شیخ دین» نقل می‌کند. مولانا گفت: المعنی هوالله شیخ دین/ بهر معنی‌های رب‌العالمین این در دفتر اول مثنوی است. قرن‌ها شارحان مثنوی در جست‌وجوی این بودند که منظور مولانا از شیخ دین کیست! پس از قرن‌ها «عبدالباقی گُلپینارلی» مولوی‌شناس ترک، این عبارت را در نسخه‌های گوناگون مقالات شمس پیدا کرد و این نتیجه را گرفت که عبارت المعنی هوالله، عبارت شمس است و منظور مولانا از شیخ دین، کسی نیست مگر شمس تبریزی. اما آن عبارت‌هایی که گلپینارلی برای نخستین‌بار در مقالات شمس پیدا کرده بود چیست؟ در یک جا از مقالات شمس آمده که «وصل تو بس عزیز آمد، افسوس که عمر وفا نمی‌کند، جهان پر زر می‌خواهیم تا نثار کنم تو را؛ خدای زنده داریم تا چه کنیم خدای مرده را؛ المعنی هوالله همان معنی است که گفتیم؛ عهد خدا فاسد نشود الا او فاسد شود فاسد باشد.»

این‌پژوهشگر در ادامه گفت: عین این عبارت را نیز در نسخه قونیه یافته بود که چنین است: «شیخ محمد تسلیم کرد، بحث نکرد، اگر بحث نمی‌کرد، فایده بیش می‌بود. مرا بایست بود که او بحث کند. گفتم المعنی هوالله؛ گفت آری! صحابه را اگر بحث کردندی، با محمد(ع) فایده بیش بود.» در خطاب نخست ظاهرا مولانا خطاب به مولانا دارد. در عبارت دوم، شیخ محمد جای بحث دارد. در عبارت نخست از زبان شمس آمده است که «عهد خدا فاسد نشود» و «معنی هوالله» در دومی آمده است که «شیخ محمد تسلیم کرد، بحث نکرد» یعنی هرچه من گفتم، بدون چون و چرا پذیرفت و هیچ جدل نکرد و اگر بحث می‌کرد، فایده بیشتری می‌برد. از عبارات مقالات نمی‌توان معنی را فهمید اما آن جا که مولانا این عبارت را در مثنوی آورده و گلپینارلی آن را ذکر کرده، ما را در یافتن منظور کلام مولوی یاری می‌کند. منظور از شیخ محمد گویا «ابن عربی» بوده است. شمس چنین آورده است که من دوست داشتم که شیخ محمد بحث کند اما او سخن مرا رد نکرد و هرچه من گفتم او گفت آری و رضایت محض داد. این دیدگاه از سوی دکتر شهیدی و موحد نیز پذیرفته شد. اما عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب «سر نی» در این باره تردید و به کتاب «معارف» نوشته بهاءولد پدر مولانا استناد می‌کند و یادآور می‌شود که همین مضمون در آن کتاب نیز وجود دارد. زرین‌کوب دو دلیل نیز برای این دیدگاه خود ارایه داده است.

دو دلیل زرین‌کوب و استنادش به کتاب «معارف»

عمادی‌حائری ادامه داد: نخست این که بهاءولد گوید: «صفات الله از رحمت، قدرت، علم، جمال، پاکی و... به صفات مختصات(آفریده‌ها) نماند. پس در وقت سبحانک گفتن باید که به‌جز از وجه‌الله نیندیشم تا الله را ببینم و به مشاهده‌ی الله مشغول شوم. چون به معنی رسیدم ایمن شدم؛ یعنی به معنی چون رسیدم به الله رسیدم و مراد خود یافتم. نه رنگ الله را توان دیدن نه بوی محبت او را توان نهفتن» با استناد به این و همچنین روحیه قلندرمآبی که ما از شمس می‌شناسیم، اقتضای این را ندارد که مولانا از وی به شیخ دین تعبیر کند. براساس این دو دلیل، زرین‌کوب در عقیده گلپینارلی تردید می‌کند. به باور زرین‌کوب، در جاهایی که این عبارت به کار رفته است، گویی شمس می‌خواسته آن را تعبیر و تفسیر کند. باید بر این دو دلیل افزود که اگر منظور از این عبارت شمس بوده می‌توانست بگوید «گفت المعنی هوالله شمس دین» بنابراین قول زرین‌کوب در این باره مهم و محل بحث است. پس این عبارت المعنی هوالله نزد مولانا، شمس و بهاءولد، عبارتی مهم است.

وی گفت: در دفتر اول مثنوی مولانا گفته است: «پیش معنی چیست صورت بس زبون/ چرخ را معنیش می‌دارد نگون» یک معنی اجمالی این جمله این است که آن چه پس پشت همه چیز است، خداست. از لحاظ لغوی «هو» ضمیر فصل است که برای تاکید و تخصیص به کار می‌رود. پس معنی لغوی دقیق عبارت «معنی هوالله» این است: «معنی فقط خداست نه کس دیگر». ملاهادی سبزواری نیز برای این بیت از مثنوی ترجمه‌هایی آورده است. زنده‌یاد فروزانفر نیز در تفسیر مثنوی خود، «معنی» را «خدا» دانسته است. شهیدی نیز به اختصار گفته است که «حقیقت خداست، هرچه هست خداست و نسبت کل عالم به خدا چون نسبت خاشاک به دریاست» دکتر محمدعلی موحد اندکی متفاوت‌تر به تفسیر این بیت پرداخته و آن را به «خداشناسی» تفسیر کرده است اما هم چنان بحث لفظ و معنا باید فهم شود.

جایگاه گفتار و نوشتار از دیدگاه مستملی بخاری و هجویری

این‌دین‌پژوه گفت: مستملی بخاری در کتاب «شرح تعرف» چنین گفته است که هر چیزی که در آن نگاه می‌کنید، سازنده آن را می‌توان در آن دید، او می‌افزاید که عامه مردم از صنع به صانع پی می‌برند اما خواص از کلام صانع به وی پی می‌برند، یعنی از صفت به موصوف می‌رسند. همچنین خاص الخاص(انبیا) از کلام خدا فراتر می‌روند و از خود خدا یا همان «ذات» به آفریدگار(خدا) پی می‌برند. از دید مستملی فعل، فاعل نیست یعنی آفریده آفریننده نیست. افعال یادگار دوست هستند؛ صفات چون تفکر در احوال اوست. هجویری اما براین باور است که هم گفتار و هم نوشتار از گوینده فاصله دارد: «در کتب، راه حق نیست که عبارات از آن است» یعنی این نوشته‌ها همه نشانه حقیقت‌اند نه خود حقیقت؛ ازاین رو نوشتار تا هنگامی اعتبار دارد که ما حاضر نباشیم و ما برای غایبان عبارت خود را برسانیم. شیخ محمود شبستری نیز در یک شعر می‌گوید که «معانی هرگز اندر حرف ناید» یعنی هرگز نمی‌توان خدا را آن چنان که هست توصیف کرد. هجویری در دنباله گفته است که در کتاب، عبارتی مکتوب است و در زبان عبارتی جاری. در حقیقت هجویری تصریح می‌کند که هم گفتار و هم نوشتار هردو متن‌اند و هردو از تحقیق معنی عاجز هستند به این معنا که با حقیقت معنی فاصله دارند.

جهان هستی نوشته خداست و قرآن گفتار اوست

عمادی حائری در بخشی از سخنانش گفت: «دریدا» ایده‌ای همانند با هجویری دارد و او نیز بر فاصله داشتن گفتار و نوشتار با معنی تاکید کرده است و آن‌ها را صرفا نشانه شمرده است و چون نشانه‌اند پس بدون حقیقتِ حاضر هستند. از این رو ما چیزی به نام «خلوص حضور» که از راه نشانه‌ها و گفتارها به آن برسیم، نداریم. ناصرخسرو در کتاب زاد المسافر آورده است که گفتار، ابزار انتقال علم میان حاضران از راه حس شنوایی است و کتابت برای انتقال علم به غایبان مکانی یا زمانی است. وی برخلاف دیدگاه دریدا، براین باور است که هم گفتار و هم نوشتار، علم را به ما منتقل می‌کنند و معنی از راه آن کشف می‌شود. ناصرخسرو گفتار را از نوشتار برتر دانسته و از تعامل دوباره میان گوینده و شنونده نام می‌برد و می‌افزاید که تحریف و تصحیف در گفتار کمتر از نوشتار است. تلقی ناصر خسرو این است که، این جهان هستی نوشته خداست و قرآن گفتار اوست و ما باید نوشتار خدا را بر پایه گفتار او تفسیر کنیم.

وی در پایان گفت: همه وقایع هستی برای آن است که ما را به معانی که پشت این وقایع هستند، رهنمون کنند و ما بدانیم که این وقایع به دست چه کسی پدید می‌آیند و پشت همه آن‌ها چه چیزی نهفته است. آن‌جا که بهاء ولد گفته است که «عالم هستی و وقایع آن سخن خدا با انسان‌ها هستند. این زیبایی‌های هستی رخ‌های خدا هستند» خدا با ما سخن می‌گوید و همه عالم سخن خداست. از رحمت و لطف و قهر این جهان هستی می‌توان به معنی و وجه کریم الله پی برد. ویتگنشتاین نیز یک عبارت دارد که بسیار به عبارت بهاءولد نزدیک است و آن این که: «معنای زندگی را یعنی معنای جهان را می‌توانیم خدا بدانیم به هرحال ما وابسته هستیم و آنچه را بدان وابسته هستیم را می‌توانیم خدا بنامیم.»

معرفی نویسندگان همسایه؛

کدام نویسنده نشان پهلوانی مردم قرقیزستان را دارد؟

تولوگون قاسم‌بیک‌اف، نویسنده سرشناس قرقیزستانی است که در ایران ناشناخته است و در سال ۲۰۰۷ نشان پهلوانی مردم قرقیز را دریافت کرده است. قرقیزستان کشوری است که باوجود اشتراکات فرهنگی زیاد با ایران و همچنین نزدیکی جغرافیایی‌اش به مرزهای کشورمان، کمتر از آن اطلاع داریم؛ چه در موضوعات فرهنگی چه اجتماعی. اما رایزنی فرهنگی ایران در این‌کشور، یکی از رایزنی‌های فرهنگی فعال کشورمان در جهان است که فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی مختلفی درباره این‌کشور انجام می‌دهد.

این‌شعبه از رایزنی‌های فرهنگی کشورمان تا به حال گزارش‌های مختلفی از وجوه فرهنگی کشور قرقیزستان را برای انتشار به مهر داده است. جدیدترین گزارش این‌مرکز فرهنگی برای مهر، درباره یکی از نویسندگان مهم کشور مورد اشاره است.

مشروح متن این‌گزارش را در ادامه می‌خوانیم:

* زندگینامه مختصر

تولوگون قاسم‌بیک‌اف نویسنده برجسته قرقیزی در ۱۵ ژانویه ۱۹۳۱ (۱۳۱۰ شمسی) در روستای آق جول بخش آقسی استان جلال‌آباد چشم به جهان گشود. بعد از به پایان رساندن مدرسه، به‌عنوان معلم و سپس دبیر اجرایی ریاست روستای آق جول فعالیت خود را آغاز کرد.

وی در سال‌های ۱۹۵۲-۱۹۵۷ رشته زبان‌شناسی دانشگاه ملی جمهوری قرقیزستان را به پایان رساند. نخستین هنرنمایی قاسم‌بیک‌اف داستان «چوپان اسب کوچولو» است که در ۱۹۵۲ در روزنامه «قرقیزستان شوروی» (آلا توی کنونی) منتشر شد و در ادامه نیز به صورت کتاب در دست قرقیزستانی‌ها قرار گرفت.

آثار این‌نویسنده به نام‌های «میهن»، «یتیم»، «می‌خواهم آدم باشم»، «شمشیر شکسته»، «کل‌کل» نیز پس از انتشار، شهرت خاصی پیدا کردند. داستان «شمشیر شکسته» به زبان روسی و دیگر زبان‌های حوزه شوروی سابق ترجمه شده است. همچنین، انتشارات «پیشرفت» آن را در ۱۹۸۰ به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر کرد.

این نویسنده در سال ۱۹۵۷ به‌عنوان سردبیر انتشارات ورزشی کودکان «مکتب» خدمت کرد و در ۱۹۵۹ به عضویت اتحادیه نویسندگان قرقیزستان در آمد. در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۶۶ رئیس مجله ادبی «آلاتو» و در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۷۴ به‌عنوان سردبیر کمیته ملی انتشارات جمهوری به خدمت اشتغال داشت.

تولوگون قاسم‌بیک‌اف از میان مورخان و نویسندگان قرقیزی در سال ۱۹۹۰ به‌عنوان نماینده مجلس بخش آق سی برگزیده شد و سپس به‌عنوان رئیس کمیسیون دائمی شورای عالی جمهوری قرقیزستان و عضو هیات رئیسه خدمت کرد.

وی در برنامه‌های توسعه کشور، استقلال، نشان، پرچم و زبان ملی به‌طور فعال شرکت می‌کرد. او همچنین در تدوین نخستین قانون اساسی قرقیزستان و بخصوص تنظیم بندهای فرهنگی، آموزشی، دینی و چاپ و نشر آن نقش و سهم زیادی داشت. در سال ۱۹۸۶ عنوان افتخاری «نویسنده برجسته مردم قرقیزی» به وی اعطا شد. در ۱۹۹۸ جایزه بنیاد بین‌المللی «معنویت»، در ۲۰۰۱ نشان «ماناس» درجه اول را دریافت کرد. همچنین، به خاطر داشتن سهم در توسعه زبان قرقیزی مدال «زبان قرقیزی»، در ۲۰۰۶ جایزه ملی جمهوری قرقیزستان تقتوقول و در ۲۰۰۷ نشان «پهلوان مردم قرقیز» را دریافت کرد.

* فهرست آثار قاسم‌بیک‌اف

۱. چوپان کوچولوی اسب‌ها، حکایات، فرونزه، ۱۹۵۶، ۳۶ ص.
۲. میهن، داستان‌ها و حکایات، فرونزه، ۱۹۵۸، ۱۱۷ ص.

۳. می‌خواهم آدم باشم، رمان، داستان‌ها، فرونزه ۱۹۶۰، ۱۵۹ ص.
۴. شمشیر شکسته، رمان تاریخی، فرونزه ۱۹۶۶، ۳۰۴ ص. چاپ دوم فرونزه ۱۹۷۱، ۵۶۵ ص.
۵. کل‌کل، رمان تاریخی، بیشکک، ۱۹۹۸، ۷۱۲ ص.
۶. غصب، رمان تاریخی، بیشکک، ۲۰۰۰، ۴۰۰ ص.

* معرفی مختصر یکی از آثار

رمان «غصب» در بیان ورود استعمارگران روس به سرزمین قرقیزستان و هدف آن‌هاست. این وضعیت تاریخی در دوره پهلوانان قرقیزی شابدان و بایتیک اتفاق افتاده و دو پهلوان بایتیک و شابدان به استعمارگران روس کمک می‌کنند. شابدان به ارتش روس‌ها خدمت می‌کند. از یک‌سو، نمی‌تواند به مردم خود دلسوزی نکند و از سوی دیگر نمی‌تواند دستور افسران روس را انجام ندهد. در این اثر، مشکلات برقراری ارتباط قرقیزها و روس‌ها و مشکلات ارتباط اخلاقی بیان‌شده است.

در یک مقاله انگلیسی مطرح شد؛

گسترش زبان انگلیسی باعث از دست رفتن میراث فارسی در هند شد

هند میراثی غنی در حوزه زبان فارسی داشت اما از قرن نوزدهم با سیطره استعمار انگلستان بر این کشور و گسترش زبان انگلیسی، این میراث از دست رفت.

روزنامه انگلیسی زبان «دی ایشین ایج» دهلی به‌تازگی مقاله‌ای به‌قلم ویلیام داریمپل منتشر کرده است. این‌پژوهشگر در این‌مقاله با تیتر «هند با گسترش زبان انگلیسی، میراث غنی فارسی خود را از دست داد» نوشته است: در قرن هفتم، راهب بودایی چینی Xuanzang سفر حماسی را از طریق بیابان‌های گبی و فراتر از هیمالیا به مکان‌های مقدس بودیسم در هند انجام داد.

داریمپل در ادامه تاکید کرده دنیایی که آن راهب بودایی از آن عبور کرده تا چه‌حد تحت تأثیر عقاید هندی قرار داشت. او در مقاله مذکور نوشته است: مردم نقاط دور ، با آداب و رسوم متنوعی، هندوستان را می‌شناسند. روایتی که ژوانزانگ از سفر خود با نام «بودایی‌های جهان غرب» نوشت، گویای این نکته است که مکان‌هایی که او طی سفر ۱۷ ساله خود دیده و بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر سفر زیارتی در هند داشته مرکز یادگیری جهان تلقی می‌شود. او معتقد است برای حدود ۱۰۰۰ سال ، بین سال‌های ۲۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی ، هند صادرکننده تمدن خود بوده است.

عصر طلایی هند به‌عنوان مرکز جهان سانسکریت تا بیش از هزاره کامل به طول انجامید. با این وجود، از ۱۲۰۰ به بعد، این سرنوشت هند بود که به یک جهان فرامرزی دوم تبدیل شود. اولین فتوحات اسلامی هند در قرن یازدهم میلادی اتفاق افتاد، با تصرف لاهور در ۱۰۲۱میلادی ترکان پارسی، از مرکز افغانستان فعلی حرکت کرده و دهلی را از حاکمان هندو در سال ۱۱۹۲ تصرف کردند. تا سال ۱۳۲۳ میلادی آنها نظام سلطنتی را تا جنوب این کشور توسعه دادند. پس از آن هندوستان به‌سرعت دگرگون شد و در طی چند قرن، یک تمدن ایرانی - هندی و اسلامی از این دو جهان بیرون آمد. همان‌طور که «ریچارد ام ایتون» در ابتدای کتاب جدید خود در هند در عصر فارسی ۱۰۰۰-۱۷۶۵ چنین می‌نویسد: «برخوردها و تعاملات بین دنیای فارسی و سانسکریت غنی و پیچیده است. بخش اعظم تاریخ هند بین ۱۰۰۰ تا ۱۸۰۰ را می توان از نظر این تعامل طولانی و چند وجهی درک کرد.»

برای چند صدسال دیگر، هند فقط مرکز آنچه که از سانسکریتش باقی ماند نبود، بلکه بخشی از یک دنیای فارسی فرامرزی بود، که تحت تسلط زبان و فرهنگ فارسی بود و با متونی که در شبکه‌های همیشه به‌طور گسترده پخش می‌شد، پیوند می‌خورد. همانطور که ایتون می‌نویسد: هند به سرعت رشد خواهد کرد تا برای تولید و نه فقط پذیرش فرهنگ ایرانی، به یک مرکز مهم تبدیل شود. طی ۶۰۰ سال آینده، هند - نه ایران - تبدیل به مرکز اصلی فرهنگ لغت های فارسی در جهان خواهد شد. اولین گلچین اصلی شعر فارسی نه در آسیای میانه و نه در فلات ایران تالیف شد، بلکه در جنوب پنجاب تا سال ۱۷۰۰ میلادی، هند مرکز پیشرو در جهان برای حمایت از ادبیات و بورس‌های فارسی بود.

در سال ۱۲۶۴ میلادی، کتیبه‌ای دو زبانه حک شده بر روی مسجدی تازه تأسیس شده در وروال، در نزدیکی معبد بزرگ هندوئی سومنات در گجرات، تصویری از شهری را نشان می‌دهد که دو جهان در تماس صمیمی قرار داشتند. در همین زمان، در دشت‌های سند و گنگ، ادبیات ابتدایی هندی - به اصطلاح عاشقانه‌های صوفی‌گری - به خط فارسی نوشته می‌شدند. اینها تلاش‌های عرفانی سالکان را روایت می‌کنند.

این اختلاط فرهنگی با دقت و پیچیدگی هرچه بیشتر در سراسر شبه‌قاره طی ۶۰۰ سال بعدی صورت گرفت. زبان‌های ترکیبی مانند اردو ظهور کرده و کلمات عربی و سانسکریت هند را با فارسی و کلمات ترکی و عربی درهم آمیخت. پادشاهان هندو در مناطق بزرگی چون وجی‌نگر خود را «پادشاهان هندو» توصیف می‌کردند، اما لباس اسلامی به تن داشتند. در همان زمان، امپراتور مغول اکبر – به شیوه هندوان رژیم غذایی گیاهی اتخاذ کرد و پادشاه موهای خود را به روش مذهبی کوتاه کرد و همچنین مالیات‌های زیارتی را برای مؤسسات غیرمسلمان لغو کرد، کشتار گاوها و طاووس‌ها را ممنوع اعلام کرده و شروع به اعطای کمک‌های مالی سخاوتمندانه به معابد هندوها کرد.

اخبار

توسط نشر مروارید؛

سومین ترجمه «پترزبورگ» منتشر شد

سومین ترجمه فارسی از رمان «پترزبورگ» نوشته آندری بلی روانه بازار کتاب شد.

رمان «پترزبورگ» نوشته آندری بلی به‌تازگی با ترجمه نازلی اصغرزاده توسط نشر مروارید منتشر و راهی بازار نشر شده است. این‌ترجمه، سومین ترجمه‌ای است که از کتاب مذکور که یکی از چهار شاهکار بزرگ ادبی قرن بیستم است، در ایران عرضه می‌شود.

آندره بلی در این اثر خود به شرح تمام تغییرات، درگیری‌ها و آشوب‌هایی پرداخته که زندگی خانواده آلباکوف را به‌عنوان قهرمان این رمان، دستخوش تغییر می‌سازد و شاید به‌همین دلیل است که نویسنده نامدار روس، ولادیمیر ناباکوف، این اثر او را یکی از چهار اثر برتر قرن بیستم در مکتب مدرنیسم می‌داند.

در این رمان شهر سن‌پترزبورگ به‌عنوان محل رخداد داستان به عنوان یکی از قهرمانان داستان آندره بلی نیز ایفای نقش می‌کند و نقشی اسرارآمیز و در عین‌حال انکار ناشدنی در داستان به خود می‌گیرد.

نازلی اصغرزاده در مقدمه خود بر این اثر گفته این ترجمه، نخستین ترجمه از این رمان است که مستقیماً از زبان روسی به فارسی ترجمه می‌شود.

نکته قابل توجه درباره این رمان این موضوع است که نسخه اصلی که در سال ۱۹۱۶ منتشر شد و نسخه دیگری هم در سال ۱۹۲۲ روانه بازار شد. نسخه دوم این رمان به‌طورجدی توسط نویسنده ویرایش شد و بخش‌های قابل‌توجهی از آن حذف شد تا مطالعه‌اش برای خواننده راحت شود. آندری بیلی بخش زیادی از قسمت‌های تجربی کتاب را حذف کرد و در عوض ساختارهای واضح‌تر را به متن افزود. نسخه کوتاه‌تر کتاب چیزی حدود ۳۸۰ صفحه طول دارد و نسخه طولانی‌تر آن ۵۷۰ صفحه است.

نشر مروارید این ترجمه را در ۶۱۲ صفحه با قیمت ۹۸هزار تومان منتشر کرده است.

اسماعیلی‌راد مطرح کرد؛

افزایش هزینه‌های نمایشگاه کتاب اتفاقی مثبت است

معاون اجرایی نمایشگاه کتاب تهران افزایش هزینه‌های حضور در نمایشگاه کتاب تهران را امری مثبت در راستای فراهم‌آمدن امکانات بهتر برای ناشران ارزیابی کرد. در هفته جاری گزارشی با موضوع گرانی هزینه‌های حضور در نمایشگاه کتاب تهران منتشر شد که به استناد تصمیم‌های شورای سیاست‌گذاری نمایشگاه کتاب تهران از افزایش ۵۰ درصدی هزینه‌های ثبت‌نام در نمایشگاه کتاب تهران خبر می‌داد. این‌اتفاق در حالی رخ داده که تغییری در قیمت اجاره‌بهای غرفه‌های نمایشگاه کتاب تهران در بخش لاتین و عربی رخ نداده و برای میهمانان خارجی نمایشگاه، کماکان غرفه با دو گزینه ۸۰ یورو به ازای هر متر مربع برای ارائه‌کنندگان آثار لاتین و سایر زبان‌ها؛ و ۵۰ یورو به ازای هر مترمربع برای ارائه‌کنندگان آثار در بخش کتب عربی در نظر گرفته شده که با سال پیش تفاوتی ندارد. این موضوع در واقع نشان می‌دهد بخش اعظم افزایش هزینه‌های ناشی از تورم یا کاهش بودجه دولتی احتمالی برای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران را، ناشران داخلی باید تقبل کنند. در همین زمینه مهر، نظر مهدی اسماعیلی‌راد معاون اجرایی نمایشگاه کتاب را در این زمینه جویا شد که درباره علت گران‌شدن هزینه شرکت در نمایشگاه کتاب تهران گفت: نمایشگاه کتاب تهران نیز مانند سایر بخش‌های کشور از منظر برگزاری با افزایش هزینه‌های ناشی از تورم اقتصادی همراه بوده است. هزینه اجرای نمایشگاه به‌شدت افزایش یافته و باید برای این مساله فکری می‌شد. وی افزود: هزینه‌های دریافت‌شده از ناشران برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران، مصوبه شورای سیاست‌گذاری است و یک شخص و بخش برای آن تصمیم نگرفته است. اسماعیلی‌راد گفت: به باور من، این‌اتفاق را نه‌تنها نباید منفی دید، که می‌شود مثبت هم به آن نگاه کرد. افزایش هزینه شرکت در نمایشگاه کتاب تهران در واقع به فراهم آوردن امکانات مناسب‌تر برای ناشران منتهی می‌شود؛ کاری که شاید بدون این افزایش حتی در استانداردهای سال پیش هم مقدور نبود.

مدردی مجید مجیدی با مردم چین در پی شیوع «کرونا»

مجید مجیدی

مجید مجیدی با ارسال نامه‌ای به رادیو و تلویزیون مرکزی چین با مردم این کشور به دلیل شیوع ویروس کرونا ابراز همدردی کرد و از اقدام به ساخت فیلمی برای نشان دادن مبارزه چینی‌ها علیه این بیماری خبر داد.

این کارگردان سینما، در نامه خود به بخش فارسی این رسانه، ضمن اعلام پشتیبانی مردم ایران از مردم چین، نسبت به غلبه مردم چین بر این بیماری ابراز اطمینان کرد.

متن کامل این نامه بدین شرح است:

«دوستان و مردم قهرمان چین
با درود و سلام

می‌دانم روزها و لحظات بسیار سختی را سپری می‌کنید. می‌خواهم بدانید که قلب همه مردم دنیا به‌خصوص مردم ایران با شما عزیزان است. لحظه‌ای نیست که به یاد شما و کودکان معصوم چین نباشم. بی‌شک این روزهای تلخ و سیاه سپری خواهد شد و من مطمئنم شما مردم بزرگ چین همان‌طور که در طول تاریخ ثابت کرده‌اید ملت سخت‌کوش و مبارزی بوده‌اید، بر این فاجعه بزرگ انسانی پیروز خواهید شد. شما با پایداری خود، دوباره امید و زندگی را به چین برمی‌گردانید. برای همه شما عزیزان سلامتی و موفقیت آرزو می کنم. زنده باد مردم بزرگ چین.

با احترام و دوست همیشگی شما، مجید مجیدی»